



تعداد کودکان و
ارزش تربیتی بسیار



دکتر رضا مظلومان

بالاخص از نقطه نظر اقتصادی ، کوشش بعمل خواهد آورد تا تعادل لازم را در خانواده برقرار سازند و نسنجیده و بی توجه سبب درهم ریختن نظم و انضباط در داخل خانواده نشوند و در راه موفقیت خود و سایر اعضاء خانواده سد و مانعی بوجود نیاورند .

ضعف فرهنگ توده های کم درآمد و نا آگاهی پدران و مادران که غالباً از سطح اقتصادی مطلوبی برخوردار ندارند ، شالوده اساسی بنیان گیری و تظاهر نارسای زاد و ولد نامتناسب و حساب نشده است .

۱- اثرات اقتصادی تعدد

اطفال در خانواده

یکی از بزرگترین عواملی که شدیداً آسورد

یکی از بزرگترین پدیده های آسیب رسان که از عمده ترین عوامل ایجاد فقر و ناراحتی ورنجهای بسیار و مشکلات گوناگون است که جرائم مختلف را شکل میدهد ، تعدد کودکان در خانواده و زاد و ولد نامتناسب و غیر منطقی است .

این پدیده زیان بخش که کمتر مورد توجه قرار گرفته است دارای اثرات بسیار نا مطلوبی در روی خانواده و اعضاء آن میباشد که میتوان مهمترین آنها را اثرات روانی - اقتصادی - تربیتی - بهداشتی جنسی - و اجتماعی دانست . بدیهیست که هر قدر پدر و مادرها از نقطه نظر رشد فرهنگی و بینش اجتماعی و واقع بینی پیشرفته تر باشند ، بهتر قادرند مسئولیتها و وظایف سنگین خانوادگی را درک کنند و در نتیجه با در نظر گرفتن کلیه امکانات و مقدرات

توجه دانشمندان جرم‌شناسی قرار گرفته و آن را پدیده‌ای جرم‌زا بشمار آورده‌اند وجود اطفال زیاد در خانواده است. جرم‌شناسان در اثر بررسی‌های دقیق خود در اوضاع و احوال خانواده باین نتیجه رسیده‌اند که خانواده پر جمعیت، خانواده‌ای بیمارگونه است که در آن اقسام نابهنجاریها شکل می‌گیرد.

از اثرات بسیار نامطلوبی که تعدد اطفال در خانواده دارد، اثرات اقتصادی شدید است که خانواده را تا سر حد فقر و مسکنت کامل پیش می‌برد و مشکلات گوناگونی را برای سرپرستان آن بوجود می‌آورد یا لاقلاً مانع بزرگی در راه هرگونه اصلاح وضع اقتصادی خانواده و یا پیشرفت آن می‌شود. بدیهیست که رفاه مادی یک خانواده از عوامل اساسی پیشرفت آن خانواده در شئون مختلف و ایجاد کننده شرایط مطلوب برای ترقی اعضای آن است. افزایش رویه اطفال از پدیده‌هایی است که چون سطح زندگی و قدرت امکانات خانواده را پائین می‌آورد و هزینه مخارج را در حد کمال بالا می‌برد در نتیجه قدرت خوب زیستن و راحت زندگی کردن را از بین می‌برد و اضطراب و نگرانی و تشویش را جایگزین آرامش می‌کند. این پدیده قوی سرعت خانواده‌های متوسط را بطرف فقر و خانواده‌های کم بضاعت و فقیر را بسوی بدبختی میکشاند و دنیائی ارزنج و ناراحتی را برای آنان فراهم می‌آورد.

این چنین وضع اسفانگیزی بدون شک نه تنها اثرات بسیار مستقیمی در روی افراد خانواده بالاخص اطفال دارد بلکه بر روی اطرافیان و اجتماع کلی نیز اثراتی نابهنجار می‌بخشد.

بدیهیست که در اکثر خانواده‌ها امکانات مالی و اقتصادی بسیار محدود است، بهمین جهت هر قدر افراد خانواده در حد متعادل و

منطقی باشند از سهم و بهره بیشتری برخوردار میشوند و اگر از خدمتین و بایسته تجاوز نمایند بطور قطع از میزان خواسته‌ها و حوائج حیاتی کمتری بهره‌ور میشوند و در نتیجه سلامت جسمانی و روانی و موفقیت‌های آنان در خطر واقعی قرار می‌گیرد و خانواده دستخوش اختلال وضع و نابسامانی میشود.

تحقیقات جرم‌شناسان با ثبات رسانده‌است که اطفال اولین قربانیان این وضع نابسامان و درهم‌ریخته می‌باشند.

دوپرئل Duprèl مینویسد که بچه‌های زیاد در یک خانواده همیشه در معرض خطرات بسیار بزرگ قرار دارند زیرا برخی از آنها که بیک طبقه متوسط متعلقند و در یک خانواده‌ای که از سطح مناسب اقتصادی برخوردار است متولد میشود و در آن رشد می‌یابد بعلمت پائین

افتادن سطح زندگی خانواده و ازین رفتن شرایط متوسطی که در خانواده حکمفرما بود در وضع نامطلوبی بسر خواهند برد و رشد و نمایشان در محیطی بسیار ناسامب و رنج‌دهنده انجام خواهد شد (۱). بنابراین هنگامی که طفل در یک خانواده متوسط دارای شرایطی ناگوار باشد کاملاً روشن است که کودکانی که در خانواده‌های تهی‌دست و فقیر دنیا می‌آیند دارای چه وضع اسف‌باری خواهند شد.

در خانواده‌های پر طفل، سرپرست خانواده آنچه را که باید در مورد یک کودک انجام دهد ناگزیر است میان عده کثیری تقسیم کند که در نتیجه هیچیک از اطفال بصورتی بایسته قادر نخواهند بود که بخواسته‌هایشان برسند. این امر از تهیه ارزاق و خوراک آغاز میشود و بایلسه و وسایل مختلف سرگرمی و آموزش پایان می‌یابد. پدری که بخوبی میتواند سالی چند دست لباس خوب برای یک یا دو طفل خود فراهم آورد محققاً با تعداد زیاد اطفال حتی قادر نخواهد بود که برای هر یکسالی

یکی پس از دیگری سقوط کردند . مثال دیگر مربوط بزنی است که بعلت ازدست دادن طاقت مقاومت در برابر ناراحتیها خود را به آتش کشاند و باوضع هولناکی خودکشی کرد اوشوهر خود را که تنها سرپرست خانواده ای برطفل بود ازدست داده بود و در نتیجه شهبه



یک دست لباس تهیه نماید . سرپرستی که میتواند نیازهای اولیه خانواده را در حد متوسط برآورد کند با انبوه اطفال در سنین مختلف این اسکان را بکلی ازدست میدهد .

یکی از نتایج چنین وضعی رنج دهنده و محیط و شرایط بد زندگی آن خواهد بود که اضطراب و دلهره همیشه در خانواده حکمفرمایی خواهد کرد و آسایش بکلی از آن رخت بر خواهد بست . در نتیجه کودکان را خواهد داشت تا آن را ترک کنند تا بتوانند خود را از بدبختی و زجر مداوم و عیاهوی فراوان نجات دهند و از محیطی که بهیچوجه برای آنان خوشایند نیست و از آنان بگرمی پذیرائی نمیکند دوری نمایند . طفلی که در خانواده احساس خوشبختی کند محققاً هیچگاه سعی نخواهد کرد تا از آن فرار نماید و خود را با خطراتی مواجه سازد که در اجتماع انتظارش را میکشد .

جرم شناسی باثبات رسانده است که هر خانواده ای که دارای اطفال زیاد باشد (مخصوصاً اگر با فقر اقتصادی هم دست بگریبان باشد) بدون شك تربیت کننده چند طفل بزهکار یا قربانی بزه دیگران است یکی دیگر از خطراتی که خانواده های برطفل را شدیداً تهدید میکند مساله حادثه یا سرگ ناگهانی سرپرست میباشد که با وقوع چنین امر وحشتناکی بکلی افراد خانواده در انهدام کامل قرار میگیرند و زندگی شان زیر و رو میشود و آسایش و آرامش برای همیشه از آن محیط رخت بر میبندد .

این امر بیشتر زمانی صادق میشود که مسئولیت خانواده از نظر تأمین حوائج و برآوردن نیازها فقط بر دوش یکی باشد . بعنوان مثال راننده ای را میشناسم که صاحب ده دختر بود و بینائی خود را ازدست داد . پیش از نابینائی او تنها تأمین کننده خواسته های خانواده بود . دخترانش بطرف انحراف کشانده شدند و

ناگزیر بود که سرپرستی یک عده کودك بستهای مختلف را زیر بال خود بگیرد و از آنان محافظت بعمل آورد و نیازهای اولیه شان را برآورده سازد. بهمین جهت روزوشب در نزد خانواده ها کار میکرد تا فقط بتواند خوراك و پوشاك اطفال را فراهم نماید. كثرت كودكان و بالا بودن سطح حوائج و فقدان نیرو برای زنی كه هیچگونه آشنائی با فعالیت های اقتصادی نداشته است باعث شد كه بتدریج قدرت مقاومت و توانائی خود را در مقابل بامشكلات از دست بدهد و در حالی كه یاس سراسر وجودش را فرا گرفته بود، تصمیم گرفت كه از این زندگی خسته کننده و پرزجر چشم بپوشد و اطفال را بی سرپرست ترا گذاشته بحال خود رها سازد. با بررسیهایی كه در ایران بعمل آمده است متأسفانه خانواده های پر طفل غالباً از وضع اقتصادی مطلوبی بهره ور نیستند بهمین جهت پس از فقدان سرپرست، كودكان ممكن است حتی برای چند روز از تأمین لازم برخوردار نباشند و قدرت ادامه زندگی را نداشته باشند. یکی دیگر از اثرات كثرت اولاد كه باعث تنزل شرایط اقتصادی خانواده میشود سرراه گذاشتن اطفال وسیله پدران و مادرانی است كه قادر بتحمل مخارج آنها نمیباشند زیرا نگهداری از نوزاد و بزرگ کردن او، مخارج و هزینه های سنگینی را به خانواده كم درآمد یا فقیر تحمیل می كند.

عاقبت چنین وضع اسفانگیزی به خوبی روشن است. بدون شك چنین كودكانی سپاهیان آینده بزهكاری و یا قربانیان بزهكاری خواهند بود.

۲- اثرات روانی تعدد اطفال در خانواده

در خانواده هایی كه تعداد بچه ها زیاد نیست و از حد معین متناسب تجاوز نمیکند،

كودكان از يك محیط آرام و پرفضا و محبت برخوردار میشوند زیرا پدر و مادر میتوانند عشق و علاقه خود را به آنان نشان دهند و بخواسته های عاطفیشان بیشتر توجه نمایند و در برآوردن آنها كوشش بعمل آورند، در حالی كه در خانواده هایی كه كثرت اطفال وجود داشته باشد، بعلت شرایط سنگین و كمبود عاطفی كه بالضرورة ایجاد میشود، كودك، هم، ناراحت، بی ثبات، پرخاشگر، حادثه جو، حسود و كینه ورز تربیت میشود.

آلن ژیرارد Alain Girard كه جمعیت شناس بزرگ فرانسه است، مینویسد كه این امر كاملاً روشن است كه ثبات از يك سو و آموزش از سوی دیگر برای كودك ثانی كه در خانواده هایی متولد میشوند كه در آنها زاد ولد بی دربی و بحساب انجام نمیگیرد و كودكان سال بسال روبافزایش نمیکذارند، خیلی بیشتر مساعسد و فراهم است تا يك خانواده پر كودك. محقق است كه در این محیط كودكان بجای پیشرفت سیر قهرائی طی میکنند، در حالی كه چنین اسری برای خانواده های دیگر كمتر صورت تحقق بخود میگیرد. (۳) در خانواده های پر طفل، كودك غالباً، بلکه بیشتر اوقات و حتی شاید همیشه، از آنچه كه بتواند او را بشاط آورد محروم است و حتی میتوان گفت كه این محرومیت را كاملاً در خواسته های اولیه خود نیز بخوبی احساس میکند.

علت این امر بخوبی روشن است چون وجود خواهران و برادران او یکی از بزرگترین موانعی است كه در سرراه او برای رسیدن به امیال و خواسته هاییش وجود دارد. بدون شك این موضوع اثرات بسیار نامطلوبی بر روی

اخلاق و روحیات او میگذارد و قدرت و امکان هم آهنگی و تطابقش را با اجتماع كم میکند.



باعث ایجاد کینه ، حسد و ناراحتی شدیدی در اطفال میشود که حتی آنان را بطرف قتل نیز میراند .

ناراحتی عاطفی در داخل خانواده ، از هر عامل دیگری قویتر و خطرناکتر است زیرا بسیاری از خشونتها و جنایاتی که در داخل خانواده بین اطفال رخ داده است ، مبتنی جز ناراحتی عاطفی نداشته است .

فقدان عاطفی یا کمبود آن در دوران خردسالی بصورت اعمال ناهنجار ، تمدد ، سرکشی ، دست زدن باعمال خطرناک که فقط برای جلب نظر انجام میگردد ، تجلی پیدا میکند و گاه بصورت خشونت و پرخاشگری ظاهر میشود و در سن بلوغ عدم سازگاری و مطابقت را شکل میدهد و بد اخلاقی و عصیان را که ناشی از ناراحتی روحی و روانی است متظاهر میسازد . کودکانی که از عاطفه لازم برخوردار

از سوی دیگر زیادی کودک همیشه یکنوع حالت بی تفاوتی برای پدر و مادر ایجاد میکنند . بهمین جهت عطوفت ، مهربانی و محبتی را که یک کودک سخت به آن نیاز دارد باو نمیدهند و بوظایف خود عمل نمیکنند . در نتیجه کودک در یک محیط سرد و بیروح و خالی از هرگونه عاطفه و محبت رشد میکند . او کمبود را بخوبی احساس میکند ولی والدین بعلت زیادی کودک در خانواده ازدردک چنین امری عاجزند آنان ارزش واقعی ناز و نوازش و محبت را فراموش میکنند زیرا اگر چنین نبود بی توجه و بدون اندیشیدن بعواقب نافرجام افزایش طفل ، خانواده را بازادولید زیاد بطرف سقوط رهنمونی نمیگردند و راه نفوذ ناهنجاری رادر آن نمیگشودند .

ناگفته نماند که پدر و مادرهایی که گاه و بیگاه بکودکان خود توجه نمایند ، عدم دقتشان در یکنواختی و هم آهنگی و ایجاد تساوی و برهیز از برتری دادن یکی بر دیگری ،

تعدد کودک و اثرش بر نابنجاریها

کودک تنها	۳۰	۴/۲٪
فرزند بزرگتر از همه (دو یا بیشتر)		
عزیز دردانه	۱۳۶	۱۸/۸٪
(« »)		
کودک کوچکتر از همه (سه یا بیشتر)	۲۱۳	۲۲/۵٪
	۳۴۳	۴۷/۵٪

۳- اثرات تربیتی تعداد

اطفال در خانواده

یکی از اثرات نامطلوب تولید مثل پی در پی در خانواده، درهم ریختن وازبین بردن آموزش و پرورش است که همیشه تأمین و تضمین کننده سعادت خانواده و عامل قدرتمند پیشرفت و موفقیت اعضای آن است. در خانواده‌هایی که تعدد اطفال وجود دارد و بی-محابا و بدون توجه ازعاقبت آنچه که انجام میگردد هرسالی کودک بر سایر اطفال خانواده افزوده میشود، یا تعلیم و تربیت از بین میرود یا بتدریج قدرت خود را از دست میدهد. بدیهیست که برای ارتقاء افراد بعد تعلیمات بایسته و ایجاد دانش لازم، خانواده باید برای هریک از آنان هزینه هنگفتی را متحمل گردد. اگر در خانواده‌ای فرزندان بسیار وجود داشته باشد محققاً این امر عملی نخواهد شد زیرا اکثریت بی‌رویه کودکان باعث تقسیم سهم آموزش و پرورش بین همه آنان میشود و در نتیجه نه تنها ارتقاء سطح مطلوب تعلیم و تربیت هیچگاه عملی نخواهد شد بلکه حداقل آنهم میسر نمی‌گردد. در چنین خانواده‌هایی، پدر و مادر بدلائل عدیده از جمله از دست

نباشند هیچگاه کودکان سالمی نمی‌باشند. بررسیها بخوبی نشان داده است که این چنین کودکانی دارای روحی ناآرام و وجودی عاصی می‌باشند و باهمه چیز و همه کس مخالفند و هیچکس و هیچ چیز را دوست ندارند و مخصوصاً از قدرت تخریب عجیبی برخوردارند. چنین کودکانی با مشاهده اندک عاطفه‌ای بزودی جلب و جذب میشوند و بی‌ریا و بسرعت بفردی که به آنان محبت کرده است اعتماد میکنند. بهمین جهت بسیاری از بزبهاران از چنین اسری حداکثر استفاده را میکنند و با محبت کردن باینگونه کودکان، آنان را بخود جلب مینمایند و از آنان قربانی می‌سازند.

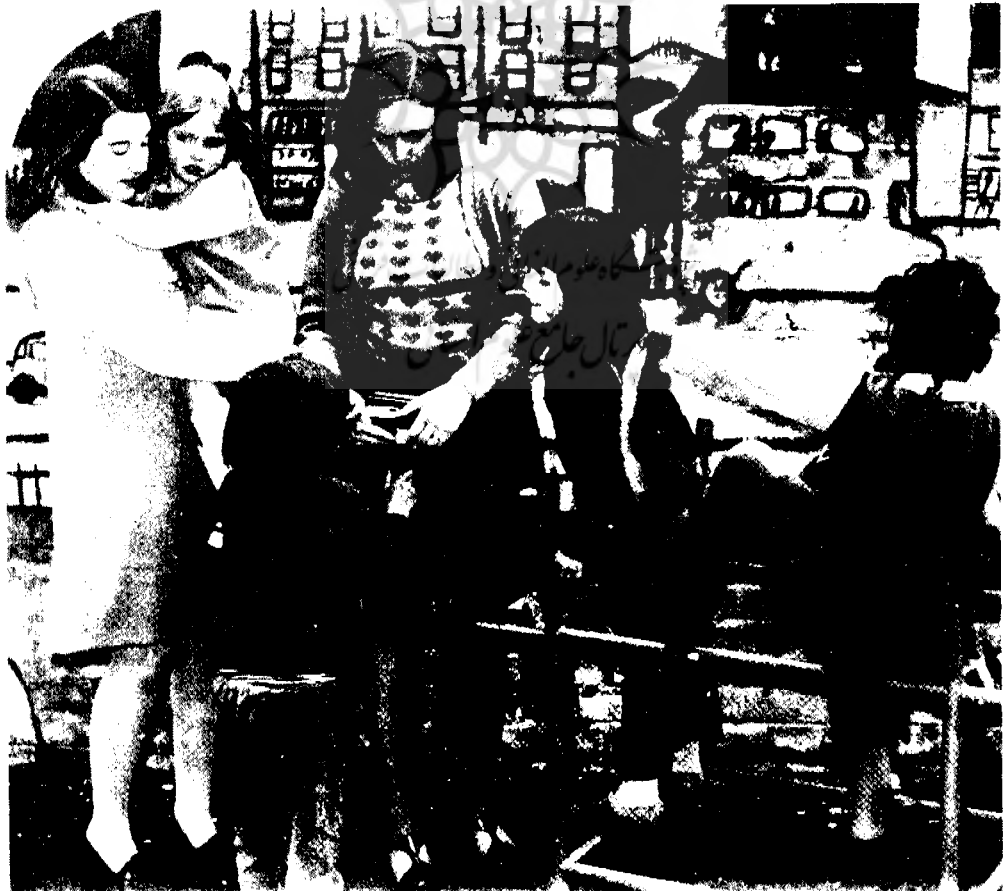
از سوی دیگر کودک کوچکتر همیشه در معرض تحمل ناراحتیهای بیشتریست چون همه افراد خانواده بعلت کوچک بودن او اراده و خواسته خود را باو تحمیل میکنند و او را زیر فشار فرمانها و دستورات خود قرار میدهند. نتیجه یک چنین وضعی آن میشود که کودک نتواند بطور دائم در برابر ناراحتیهای ناشی از دستورات خواهران و برادران، مقاومت کند و در نتیجه محیط نامطلوبی را که در آن احساس آرامشی نمیکند، رها میسازد یا علیه همه چیز و همه کس دست بقیام میزند و متمرد و سرکش بار می‌آید که این خصلت بتدریج در روح او باقی میماند و مالا در سن بلوغ و بزرگسالی هم آن را بهمین صورت حفظ میکند. مطالعه‌ای که روی ۸۲۲ بزبهار جوان در مصر انجام شده است باثبات این موضوع کمک میکند. (۳)

کس که مایل باشند تماس بگیرند و بدون اینکه چشمانی ناظر و مراقب باشند و آنان را زیر کنترل بگیرد یا راهنمایی وجود داشته باشد که حقایق را برای آنان بازگو سازد و به ارشادشان بپردازد ، بهرچه که بخواهند بروند و هر عملی را که مشاهده نمایند مورد تقلید و عمل قرار دهند .

در خانواده های پر کودک ، یاسفارش و نصیحتی انجام نمیشود یا اگر برسبیل اتفاق صورت بگیرد به علت زودگذری و بی اعتقادی نصیحت کننده و توقف کودک براین اسر ،

دادن قدرت اقتصادی ، مشغله زیاد ، خستگی و بی حوصلگی و بالاخره فقدان امکانات لازم برای فراهم آوردن زمینه تربیتی برای کودکان ، دقت و مراقبت لازم را مبذول نمیدارند و کودکان را بحال خود رها میسازند تا آنچه را که در داخل و خارج از چهارچوبه خانواده مشاهده میکنند سرمشق اعمال و رفتار خود قرار دهند .

بعبارت دیگر اینگونه کودکان کاسلا آزادند تا به اراده خود از منزل خارج شوند و بیازی در کوچه و ولگردی بپردازند و باهر



در اینگونه خانواده‌ها بسیار بندرت و اتفاقی ممکنست کودک بتواند تحصیل کند و آن را پایان برساند و اگر احیاناً چنین امری میسر گردد، این کودک محققاً مورد نفرت و انزجار خواهران و برادران خود که نتوانسته‌اند تحصیل کنند یا بتحصیلات خود ادامه دهند قرار میگیرد که گاهی بعواقب نافرجام نیز پایان مییابد.

محققاً پوشیده نیست که عدم تربیت سالم و تعالیم بایسته برای یک فرد، خانواده‌ها و حتی اجتماع مصیبتی بسیار بزرگ است بالاخص که کودکان و افرادی که از آموزش و پرورش شایسته برخوردار نشوند، غالباً انسانهایی خشن و پرخاشگرند.

موضوع دیگر آنکه در چنین خانواده‌هایی کودک نه تنها از محبت و عاطفه لازم برخوردار نمیشود و از تربیت صحیح بهره نمیگیرد بلکه بعلت پایین آمدن سطح اقتصادی خانواده و عدم قدرت سرپرست در برآوردن نیازهای اعضا آن، خیلی زودتر از سن لازم مجبور میشود بکار اشتغال و زردی باطریق اولی پدر و مادر اورا بکار می‌گمارند تا هم خرجی خود را بدست آورد و هم کمکی برای اعضا خانواده باشد.

زود کار کردن کودک که هنوز احتیاج به محبت و عاطفه و بازی با همدیگان خود را دارد بوجود آورنده بزرگترین عقده و ناراحتیهائی است که غالباً بصورت عدم سازگاری با محیط در او شکل میگیرد و درس بلوغ بوجهی بسیار گسترده تظاهر میکند. این چنین کودکانی کمتر ممکنست از سلامت روان و فکر و اندیشه برخوردار باشند و انسانهایی سالم و آرام از آنان ساخته شود. حس پرخاشگری و روح خشونت در آنان بسیار قوی است و با اندک تحریکی زود بهیجان می‌آیند و واکنشهای بسیار تندی از خود نشان میدهند.



هیچگاه این راهنماییها اثر نمیبخشد و عمل نمیشود.

از سوی دیگر افزایش هزینه خانواده بعلت کثرت کودک و عدم تطابق در آمد با مخارج روزمره و فقدان قدرت برآوردن حوائج و نیازهای اولیه، پدر و مادر نمیتوانند اطفال خود را بمدرسه بفرستند تا آموزش ببینند. زیرا فرستادن آنان بمدرسه ایجادکننده مخارج فراوانی است که از عهده آنان ساخته نیست.

در این مرحله نیز اطفال بحال خود رها میشوند و روزها را در بازی در کوچه‌ها و ولگردی میگذرانند آنجا که هر لحظه بیم سقوط آنان می‌رود و هر لحظه ممکنست بد کارانی که در هر گوشه و کنار کمین کرده‌اند آنان را بدام بیفکنند و در روزگار سیاهی غوطه‌ورشان سازند. آن ژیرارد در مورد کثرت اولاد مینویسد بهمان نسبت که در خانواده‌ای افزایش کودک صورت بگیرد سطح تعلیم و تربیت در آن سیر قهقرائی طی میکند (۴)

۴- اثرات بهداشتی تعدد اطفال در خانواده

همانطور که اشاره شد ، حافظان خانواده‌های پرکودک معمولا بنا براحتیهای شدید اقتصادی دچار میشوند و در شرایط نامطلوب مادی می‌افتند چون نه تنها نمیتوانند قسمتی از درآمد خود را ذخیره کنند تا در مواقع ضروری و ناگهانی آن را مورد استفاده قرار دهند بلکه توانائی آن را هم نخواهند داشت تا از عهده مخارجی که برای خانواده لازم است و روز بروز هم به آن افزوده میشود، برآیند .

سرپرستان خانواده ناگزیرند که روزوشب کارکنند تا فقط بتوانند حوائج اولیه اعضا را که از خوراک و چند قطعه پوشاکی تجاوز نمیکند ، فراهم سازند . حال در چنین وضع خطرناک و حساسی چنانچه کودکی بیمار شود بدون شک یک دگرگونی رنج‌زایی را ایجاد میکنند که بزرگترین بحران ممکن را بوجود می‌آورد .

چون در اثر این حادثه بزرگ پدرومادر و یا سرپرست خانواده دچار مشکل لاینجمل و غیر قابل رفع شدن می‌شوند زیرا مسأله پزشک و دواودرمان پیش می‌آید . مبلغی که باید برای پزشک در نظر بگیرند و آنچه را که باید برای تسخه خرج نمایند ، همه سرمایه خانواده و درآمد آن را میبلعد . این مصیبت زمانی تکامل مییابد که سایر بچه‌ها نیز بیمار شوند . ناراحتی روحی و طبعیانی که در نهاد اعضا مخصوصا پدر و مادر بوجود می‌آید در این لحظه توصیف ناپذیر است .

بیماری بالاخص اگر بیماری واگیری باشد یا بیماری که بعمل جراحی نیاز داشته باشد بکلی زندگانی چنین خانواده‌ای را زیر و رو میکند و نابسامانی ، اضطراب و دلهره رادر همه جا میپراکند. پدر ومادرکودک یا کودکان بیمار ، برای تهیه هزینه مورد نیاز ، ناگزیر میشوند دست احتیاج به این و آن درازکنند و بقرض کردن بپردازند یا بفروش اثاث منزل اقدام نمایند و آنها را به ارزانترین صورت بفروش برسانند تا بتوانند طفل یا اطفال خود را از بیماری یا سرگ نجات دهند .

لطفاً دنباله مقاله را شماره آینده مطالعه فرمائید»

1- Alain Girard, "Aspects statistiques du probleme familial". P 60

2- Ibid. P 60

3- Kamel, "La jeune!se délinquante". P 43

4- Girard, ouv. cit. P 40